

تنها مسیر برای زندگی بهتر/ج ۱۷

پناهیان: رکن چهارم زندگی بهتر، همراهی مقدرات الهی است/ توجه به اینکه «زندگی ما تحت مقدرات خداست» زندگی ما را بهتر می‌کند/ آمار خداوند در قرآن: «اکثر مردم نمی‌دانند من روزی‌ها را تعیین می‌کنم» +صوت

اگر خدا نخواهد، زندگی بهتر به دست نمی‌آید؛ چه انسان متدین باشد و چه نباشد. همه می‌دانند که همه بخش‌ها یا اتفاقات زندگی انسان، هیچ‌وقت در اختیار خودش قرار نمی‌گیرد؛ حتی اگر کسی به شانس و تصادف معتقد باشد و بگوید: «همه چیز تصادفی است» در اینجا باید بگوید: زندگی بهتر، زندگی‌ای است که «شانس» هم همراه انسان باشد.

حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان که در رمضان گذشته با موضوع «**تنها مسیر-راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی**» سخنرانی کرد و مورد استقبال جوانان قرار گرفت، امسال قرار است به مدت ۳۰ شب در مسجد امام صادق (ع) میدان فلسطین به موضوع «**تنها مسیر برای زندگی بهتر**» بپردازد و به سوال «چگونه یک زندگی بهتر داشته باشیم؟» پاسخ دهد. در ادامه فراهایی از **هفدهمین جلسه** این سخنرانی را می‌خوانید:

مرور سه رکن اول زندگی بهتر/ اهل عالم قبول دارند که زندگی بی‌محبت و بی‌تلاش زندگی بهتر نیست

- تا اینجا بحث، سه رکن -از چهار رکن- زندگی بهتر را معرفی کردیم و-بر اساس این ارکان- گفتیم که زندگی بهتر، زندگی‌ای است که اولاً با عشق و علاقه بیشتر همراه باشد. فکر می‌کنیم که همه اهل عالم بتوانند سر این موضوع توافق کنند که زندگی بی‌روح، بی‌احساس و بی‌محبت شدید، زندگی بهتر نیست.
- ثانیاً زندگی بهتر زندگی‌ای است که با سخت‌کوشی و فعالیت بیشتری همراه باشد، حتی با مبارزه و درگیری همراه باشد. زندگی‌ای که انسان آن را با تلاش خودش به دست می‌آورد، لذت‌بخش‌تر است و فکر می‌کنیم که همه آدم‌ها این را قبول داشته باشند. انسان گاهی با تلاش، یک چیز کمی به دست می‌آورد ولی برایش لذت‌بخش‌تر از چیزهای بیشتری است که دارد ولی آنها را بدون تلاش به دست آورده است.
- ثالثاً زندگی بهتر زندگی‌ای است که انسان در تلاش برای به دست آوردن آنچه مورد علاقه‌اش است، تسلیم محدودیت‌هایی شود که اجتناب‌ناپذیر هستند، و تسلیم دستورهایی شود که نمی‌توان از آنها فرار کرد. حالا ممکن است این محدودیت‌ها و دستورات را فکر و فرهنگ و قانون برای ما رقم بزنند و یا دین ما برای ما رقم بزند.

دنیای بدون محدودیت شیرین نیست، همانطور که فوتبال بدون محدودیت شیرین نیست

- زندگی بهتر با پذیرش محدودیت‌های درست و با درست پذیرفتن این محدودیت‌ها شکل می‌گیرد. قشنگ پذیرفتن محدودیت‌ها و زندگی کردن در میان محدودیت‌ها، برای انسان جذابیت دارد. اصلاً زندگی این دنیا بدون محدودیت‌ها شیرین نیست. فقط زندگی در بهشت است که منهای محدودیت‌ها جاذبه دارد و لذا در آنجا هرچه بخواهی بدون محدودیت در اختیار تو قرار می‌گیرد (و لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُیْ اَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ؛ فصلت/۳۱)

- کسی که زندگی را نمی‌شناسد، به اشتباه تصور می‌کند که این محدودیت‌ها باعث تلخی زندگی شده است. مثل کسی که با بازی فوتبال آشنا نبود که وقتی دید ۲۲ نفر به دنبال یک توپ می‌دوند و بر سر تصاحب آن با هم درگیر می‌شوند و گاهی هم خطا می‌کنند، رفت ۲۱ عدد توپ خرید و آورد وسط زمین ریخت و گفت: «دیگر دعوا نکنید، حالا هر کسی راحت با یک توپ بازی کند!». این اوج نادانی است که کسی نفهمیده باشد که اصلاً این محدودیت، رمز بازی، جزء بازی است و اصل ماجراست، و همین است که بازی را لذت‌بخش کرده است.

رکن چهارم زندگی بهتر «همراهی مقدرات الهی» است/ غیرمتدینین هم می‌دانند کارهایشان در دست خداست

- حالا به رکن چهارم زندگی بهتر رسیده‌ایم. در تعریف زندگی گفتیم: زندگی تلاش و مبارزه برای رسیدن به علاقه‌های مدیریت‌شده است، و همچنین با پذیرفتن محدودیت‌هایی که در این مسیر وجود دارد که البته همه اینها «در بستر مقدرات الهی» است. لذا بر اساس رکن چهارم زندگی (یعنی قرار داشتن در بستر مقدرات الهی) در تعریف زندگی بهتر هم می‌گوییم: ظن زندگی‌ای بهتر است که مقدرات الهی با آدم همراهی کند. **اگر خدا نخواهد، زندگی بهتر به دست نمی‌آید؛ چه انسان متدین باشد و چه نباشد. همه می‌دانند که همه بخش‌ها یا اتفاقات زندگی انسان، هیچ‌وقت در اختیار خودش قرار نمی‌گیرد؛ حتی اگر کسی به شانس و تصادف معتقد باشد و بگوید: «همه چیز تصادفی است» در اینجا باید بگوید: زندگی بهتر، زندگی‌ای است که «شانس» هم همراه انسان باشد.**
- رکن چهارم زندگی بهتر «همراهی مقدرات الهی» است. اگر مقدرات الهی همراهی نکند، انسان به‌خوبی می‌فهمد که مقدرات الهی دارند با او مخالفت می‌کند و بر خلاف خواست او رقم می‌خورند. از امیرالمؤمنین (ع) پرسیدند: شما که این قدر به خدا معتقد هستید، به ما بگویید که این اعتقاد خودتان به خدا را از کجا به دست آورده‌اید؟ حضرت فرمود: «عَرَفْتُ اللّٰهَ سُبْحَانَہٗ بِفَسْخِ الْعَزْمِ» (نهج البلاغه/ حکمت ۲۵۰) یعنی من خدا را به آن لحظاتی شناختم که همه چیز را مرتب کرده بودم تا کار درست در بیاید، اما کارهایم بهم ریخت، لذا فهمیدم که تدبیر امور در دست کس دیگری است و خدا را این‌گونه شناختم (إِنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ يَا امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا دَأَّ عَرَفْتُ رَبَّكَ قَالَ فَفَسَخِ الْعَزْمَ وَ نَقَضَ لَهُمْ لَمَّا هَمَمْتُ فَحِيلَ بَيْنِي وَ بَيْنَ هَمِّي وَ عَزَمْتُ فَخَالَفَ الْقَضَاءُ عَزْمِي، عَلِمْتُ أَنَّ الْمُدْبِرَ غَيْرِي؛ توحید صدوق/۲۸۸)
- بسیاری از اوقات، خداوند در این قایم‌موشک‌بازی زندگی، خودش را به ما نشان می‌دهد و به ما می‌فهماند که «کار در دست من است!» و شما را وادار می‌کند به اینکه بگویید: «ان‌شاءالله!» بنده آدم‌های غیرمتدینی را دیده‌ام که اصلاً اعتقادات دینی در رفتارهای آنها دیده نمی‌شود ولی در لحظات مختلف زندگی بارها و بارها می‌گویند: «اگر خدا بخواهد!» در حالی که نه اهل نماز و روزه هستند و نه اهل ترک معاصی؛ اصلاً دیندار نیستند و نمی‌خواهند دیندار باشند ولی مدام می‌گویند: «اگر خدا بخواهد» چون می‌فهمند کارهایشان در دست خداست.

توجه به اینکه «زندگی ما تحت مقدرات خداست» زندگی ما را بهتر می‌کند/ زندگی، تعاملی است بین اراده

ما و خدا

- رکن چهارم زندگی بهتر همراهی کردن خواست خدا و مقدرات الهی است. منتها مراقب باشید که یک‌وقت در اثر این بحث ما- درباره نقش مقدرات الهی در زندگی انسان- کسی جبری مسلک نشود و نگوید: «پس ما بی‌اختیار هستیم و همه کارها در دست خداست!».
- اینکه «کجاها اختیار در دست خودمان است؟ چه مقدار از کارها در دست خودمان است و چقدرش در دست خداست؟» بحث حساسی است که در روایات بر حساسیت آن تأکید شده است. بحث درباره «لحظه‌های آزادی» انسان یک بحث بسیار پیچیده است. در اینجا فقط همین مقدار می‌توانیم بگوییم که زندگی، تعاملی است بین اراده ما و اراده پروردگار عالم و در نهایت هیچ چیزی از اراده مطلق پروردگار عالم خارج نیست.
- حتی توجه به همین موضوع که «خدا هست و بر ما قدرت دارد» خیلی از مسائل را حل می‌کند و باعث می‌شود زندگی ما بهتر شود. توجه به اینکه لااقل بخشی از زندگی ما تحت مقدرات الهی است، زندگی را بهتر می‌کند. حالا تصور کنید که اگر این مقدرات الهی با زندگی ما همراهی کند، چقدر زندگی ما بهتر می‌شود!

مرور چند آیه که ما را به موضوع مقدرات الهی توجه می‌دهد

- در اینجا بخشی از آیات قرآن که این موضوع (مقدرات الهی) را به ما توجه می‌دهد، مرور می‌کنیم. می‌فرماید: «قُلِ اللّٰهُمَّ مٰلِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ۗ یَدْرُکُ الْخَیْرَ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ» (آل عمران/ ۲۶) بگو خدایا! تو پادشاهی و همه عالم مال توست، تو پادشاهی را به هر کسی بخواهی می‌دهی و پادشاهی را از هر کسی که بخواهی می‌گیری، و تو هر کسی را که بخواهی عزیز می‌کنی و هر کسی را بخواهی ذلیل می‌کنی، همه خوبی‌های عالم در دست توست و تو بر هر کاری توانا هستی
- سفارش شده است که در بسیاری از مواقف خاص، این آیه و آیه بعد را به عنوان ذکر (در دعاهای خودمان) بگوییم، گرفتاری‌ها را برطرف می‌کند و زندگی را بهتر می‌کند. البته اینها دعا یا خواسته ما از خدا نیست بلکه بیان اعتقاد ما محسوب می‌شود و به نوعی درد دل یا بیان چیزهایی است که انسان می‌فهمد. اصلاً بخشی از دعاهای ما به درگاه خدا بیان آن چیزهایی است که ما می‌فهمیم و البته این فهم و درک ما خیلی برای خدا مهم است و خدا این فهم ما را خیلی دوست دارد. درباره موسی بن عمران (ع) گفته شده است که ایشان «کلمه الله» است و خیلی قشنگ با خدا حرف می‌زد و خداوند هم حرف زدن موسی (ع) با خودش را دوست داشت. هم خوب حرف می‌زد و هم حرف خوب می‌زد.
- در آیه بعدی می‌فرماید: «تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَتُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَمِیْتِ وَتُخْرِجُ الْمَمِیْتِ مِنَ الْحَیِّ وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ» (آل عمران/ ۲۷) از دل شب، روز را بیرون می‌آوری و از دل روز، شب را بیرون می‌آوری (شب را در دل روز قرار می‌دهی و روز را در دل شب قرار می‌دهی) و زنده‌ای را از دل مرده‌ای خارج می‌کنی و مرده‌ای را از دل زنده‌ای خارج می‌کنی. و هر کسی که بخواهی، بی حساب به او روزی می‌دهی. ای خدایی که بهار و زمستان می‌آوری، فرزند خوبی را از دل یک خانواده بد بیرون می‌آوری و فرزند بدی را از دل یک خانواده خوب بیرون می‌آوری. مانند فرزند نوح. یا مثل یکی از فرزندان امام صادق (ع) که

موجب قتل امام کاظم (ع) شد. یا مثل نوه امیرالمؤمنین (ع) و فرزند محمد بن حنفیه، که نامش «حسن» بود و می‌گفت: «من نمی‌دانم که حق با علی (ع) است یا حق با معاویه است!»

ذکر «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ» به ما آرامش می‌دهد و آرامش یکی از ارکان زندگی بهتر است

- برای رسیدن به زندگی بهتر، باید توجه کرد به اینکه «زندگی دست خداست» این حرف ما نیست، این توصیه ما به همدیگر نیست، این یک ذوق و سلیقه نیست، بلکه این توصیه خود پروردگار عالم است که با تعابیر مختلف به ما می‌فرماید: «بینی که کارها دست من است؛ لااقل همین قدر توجه داشته باش!»
- «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ» ذکری است که توصیه شده است بعد از هر نماز لااقل هفت مرتبه بگوییم. این ذکر توجه ما را به قدرت خدا جلب می‌کند و به ما تذکر می‌دهد که همه کارها دست خداست، لذا به ما آرامش می‌دهد؛ آرامشی که یکی از ارکان زندگی بهتر است. در روایات آمده است، همین که بنده‌ای بعد از دعا- این ذکر را می‌گوید: «مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ» خداوند متعال به ملائکه می‌فرماید حوائج بنده مرا برآورده کنید، چون او فهمید که کارها دست من است. (مَا مِنْ رَجُلٍ دَعَا فَحَظَمَ بِقَوْلٍ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِلَّا اُحْبِبَّتْ حَاجَتُهُ؛ ثواب الاعمال/ ۹۷)

اینقدر سرگرم بازی نشو، به آن کسی که تو را بازی می‌دهد توجه کن!

- اینقدر دست دیگران را نبین! این قدر قدرت خودت را نبین! اینقدر به بازی خودت در کوچه پس کوچه‌های زندگی سرگرم نشو! به بالا نگاه کن و به آن کسی که دارد تو را بازی می‌دهد توجه کن. به آن کسی که هر لحظه اراده کند، می‌تواند کل بازی تو را تغییر دهد، کسی که می‌تواند موانع و امکانات تو را تغییر دهد. او کارگردان صحنه است که به تو امکان انتخاب خوب یا بد می‌دهد.
- روی دیگران هم زیاد حساب نکن، البته با دیگران تعامل صحیح داشته باش و از آنها به درستی استفاده کن. گاهی اوقات خداوند رزق یک مؤمن را در دست یک مؤمن دیگر قرار می‌دهد که روزی‌اش از طریق او برسد. مثلاً اینکه شما از کسی وام یا قرض می‌گیری و کار شما راه می‌افتد. این اشکالی ندارد. درخواست کمک کردن از برادر دینی، وقتی که در تنگنا افتادی، اشکالی ندارد، اما بدان که کار در دست خداست. تدبیر کن، برنامه‌ریزی کن، منتها بدان که گاهی خدا تدبیرها و برنامه‌های تو را به هم می‌زند.

آمار خداوند در قرآن: «اکثر مردم نمی‌دانند من روزی‌ها را تعیین می‌کنم»

- خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «اِنَّ رَبَّکَ یَسْطُرُ الرَّزْقَ لِمَنْ یَّشَاءُ وَ یَقْدِرُ اِنَّهٗ کَانَ بِعِیَادِهِ خَبِیْرًا بَصِیْرًا» (اسراء/ ۳۰) خدا برای هر کسی بخواهد، رزقش را زیاد می‌کند و خدا مقدر می‌کند (اندازه‌ها را تعیین می‌کند) که او به بندگان خودش خبیر و بصیر است.
- بنده دارم شما را به موضوعی توجه می‌دهم که خداوند متعال فرموده «اکثر مردم از این موضوع غافل هستند!» این آماری است خداوند از بندگانش گرفته و می‌فرماید: «قُلْ اِنْ رَبِّیْ یَسْطُرُ الرَّزْقَ لِمَنْ یَّشَاءُ وَ یَقْدِرُ وَ لَکِنْ اَکْثَرُ النَّاسِ لَا یَعْلَمُوْنَ» (سبا/ ۳۶) یعنی خدا روزی‌ها را تعیین می‌کند ولی اکثر مردم- این را- نمی‌دانند! مردم با اسباب و علل درگیر می‌شوند.

همان همسری که خدا برایت مقدر کرده، نصیبت می‌شود حتی اگر پیامبر (ص) و جبرئیل برایت دعا کنند

- نباید درگیر اسباب و علل بمانیم. زندگی بهتر یعنی اولاً به مقدرات الهی توجه کنیم، و ثانیاً اینکه این مقدرات به نفع ما تمام شود. در قدم اول باید توجه کنیم به اینکه زندگی ما در دست خداست. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: اگر من دعا کنم، و حضرت

جبرئیل و اسرافیل و میکائیل هم دعا کنند، برای اینکه یک همسری غیر از آن کسی که خدا مقدر کرده نصیبت شود، دعای ما مستجاب نخواهد شد، بلکه همان همسری که خدا مقدر کرده نصیبت خواهد شد؛ لو دعا لك إسرائیل و جبریل و میکائیل و حَمَلَةٌ العرش و أنا فيهم ما تزوجت إلا المرأة التي كتبت لك» (میزان الحکمه/ج ۱۶۵۰ - کنزالعمال/۵۰۱)

علاوه بر آن محدودیت‌هایی که در زندگی می‌پذیریم، باید به این مقرراتی که خدا برای ما تعیین می‌کند، نیز حواسمان باشد و مدام توجه کنیم. همین توجهی که به خدا پیدا می‌کنیم، غبار تکبر را از چهره ما بر می‌دارد. زندگی بهتر یعنی اینکه توجه شما بیشتر باشد به اینکه قدرت لایزال الهی بر زندگی شما خیمه زده است.

ما توسط مقدرات الهی احاطه شده‌ایم؛ و در عین حال اراده و اختیار هم داریم

شما صبح که از خانه بیرون می‌آید و تاکسی سوار می‌شوید، این تاکسی، تصادفی سر راه شما قرار نگرفته است. و همنشین‌های شما در تاکسی هم تصادفی در کنار شما قرار نگرفته است. و وقتی راننده تاکسی رادیو را روشن می‌کند، آن خبر یا پیامی که رادیو پخش می‌کند نیز تصادفاً به گوش شما نمی‌رسد. هیچ کدام تصادفی نیست، با هر کدام از این اتفاقات، خدا با شما کار دارد. خدا خیلی در کارهایش دقیق است ولی ما سطحی برخورد می‌کنیم.

تو این طوری توسط مقدرات الهی احاطه شده‌ای؛ اما در عین حال، تو اراده هم داری، و اطرافیان تو هم اراده دارند ولی اگر اطرافیان تو بخواهند یک اراده‌ای به خرج بدهند که زندگی تو را به هم بریزند-یعنی خارج از آن برنامه‌ای که خدا برای تو دارد- خدا به آنها اجازه نمی‌دهد. همه این هماهنگی‌ها را خداوند در آن واحد دارد برای میلیاردها انسان انجام می‌دهد.

انسان‌ها در حیطة مقدرات الهی قرار دارند اما در عین حال اختیار و اراده هم دارند، البته نه اختیار مطلق؛ بلکه اختیار محدود و حساب‌شده دارند. هر کسی نمی‌تواند هر کاری بکند. زندگی ما صد در صد دست خودمان نیست، البته خدا به تک‌تک رفتارهای ما اهمیت می‌دهد و به عذرخواهی‌های ما هم اهمیت می‌دهد و اینها ممکن است در مقدرات ما تأثیر داشته باشد.

اگر قرآن بخوانید، قدرت خدا را بیشتر حس می‌کنید / کسی که قدرت خدا را می‌بیند، برای غیر خدا قدرتی قائل نمی‌شود

اگر قرآن بخوانید، قدرت خدا را بیشتر حس می‌کنید، چون خداوند در قرآن، قدم به قدم از این قدرت و تسلط خودش بر حیات بشر، سخن گفته است. می‌دانید چرا حضرت امام(ره) از کسی نمی‌ترسید؟ یکی از دلایلش این بود که روزی ۱۲ مرتبه قرآن می‌خواند و کسی که قرآن بخواند، قدرت خدا را می‌بیند، لذا برای غیر خدا قدرتی قایل نمی‌شود. چنین کسی بنده خوبی برای خدا می‌شود.

شما به داستان حضرت موسی(ع) نگاه کنید. با اینکه فرعونیان قبل از ابتدای ولادت، دنبالش بودند که او را به قتل برسانند، ولی موسی(ع) در همان کاخ فرعون، زندگی کرد و بزرگ شد. چرا؟ چون خدا خواسته بود.

چند روایت درباره تدبیرهایی که خدا برای زندگی ما انجام می‌دهد

درباره قدرت خداوند و تدبیرهایی که برای زندگی ما انجام می‌دهد، روایت بسیار است. مثلاً امیرالمؤمنین(ع) در آغاز خطبه شریف حمام می‌فرماید: «فَقَسَمَ بِنَبِيِّهِمْ مَعَاشِيَهُمْ وَ وَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ» (نهج البلاغه/خطبه ۱۹۳) خداوند در این دنیا برای هر کسی یک جایی تعیین کرد و برای هر کسی یک زندگی و معیشتی تعیین کرد.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعِيدٍ خَيْرًا رَزَقَهُمُ الرَّفْقَ فِي مَعَاشِهِمْ» (کنزالعمال/۵۴۵۱) وقتی خدا برای بندگان خودش خیر بخواهد، رفق در معیشت به آنها عنایت خواهد کرد. رفق به معنای آسودگی است؛ یعنی خدا زندگی آنها را سخت نمی‌کند و نمی‌گذارد درگیر باشند. و به آنها آسودگی می‌دهد که به خداپرستی خود بپردازند.

در ادامه روایت فوق می‌فرماید: «وَ إِذَا أَرَادَ بِهِمْ شَرًّا أَوْ قَالَ غَيْرَ ذَلِكَ رَزَقَهُمُ الْخُرْقَ فِي مَعَاشِهِمْ» (همان) وقتی که خدا شر آنها را بخواهد در زندگی به آنها حماقت می‌دهد. مثلاً اینکه گاهی انسان بیهوده پول خود را خرج می‌کند یا مثل افراد نادان خودش را بی‌جهت، دچار گرفتاری می‌کند. (اینکه خدا شر کسی را بخواهد یعنی خدا از آن شخص، خوشش نیاید و بخواهد او را به حال خودش رها کند)

رسول خدا(ص) در روایت دیگری از قول خداوند متعال می‌فرماید: «أَيُّمَا عَبْدٍ خَلَقْتَهُ فَهَدَيْتَهُ إِلَى الْإِيمَانِ وَحَسَنْتَ خُلُقَهُ وَ لَمْ آتِيهِ بِالْبُخْلِ فَإِنِّي أَرِيدُ بِهِ خَيْرًا» (امالی طوسی/۲۴) من هر بنده‌ای را که به او ایمان بدهم و اخلاقش را خوب کنم و بخل را از او بگیرم، یعنی خیرش را می‌خواهم. (یعنی اینها علامت‌های خوبی است که از سوی خدا به ما می‌رسد.)

قایم‌موشک، بازی عارفانه‌ای است!

این طور نباشد که فقط بعضی وقت‌ها قدرت خدا را در زندگی خودت ببینی و به آن توجه پیدا کنی. بلکه ان‌شاء الله به جایی برسی که بتوانی بگویی: «خدایا! من دارم از پشت پرده می‌بینم!» اگر این طور بشود، خدا هم پرده را کنار می‌زند.

قایم‌موشک، خیلی بازی عارفانه‌ای است! چشم می‌گذاری و بعد می‌روی دنبال رفقای خودت می‌گردی. اگر رفیقت پشت پرده باشد و یک‌ذره پرده تکان بخورد، تو می‌فهمی و پرده را کنار می‌زنی و می‌بینی که آنجا ایستاده است. می‌گویی: «تو را دیدم» بعد می‌روی و او دنبال تو می‌آید. یعنی وقتی او را دیدی، حالا او به دنبال تو می‌آید.

خدا پشت پرده زندگی ما ایستاده است و مدام دارد پرده را تکان می‌دهد تا ما متوجه او بشویم. ولی متأسفانه ما متوجه نمی‌شویم! خدا هرچقدر این پرده را تکان می‌دهد باز هم ما نمی‌فهمیم و متوجه حضور او نمی‌شویم. دیگر خدا باید چه کار کند که ما متوجه شویم؟! منتها اگر متوجه شوی و او را ببینی، خدا از پشت پرده بیرون می‌آید. این قاعده بازی قایم‌موشک است. برای بعضی‌ها خدا از پشت پرده بیرون آمده است.

